

اغلب و کلاه محترم از شرح خدمات و جان فشانی این بنده در راه مشروطیت و آزادی اطلاع دارند که هیچ گونه از بنبل جان و مضایقه نکردم و بطور خوبی خاطر ذوات مقدس مستحضراست که آنچه داشتم از دست داده و مبالغی هم مقروض گشتم ولی مختصر داری برای اعاشه عائله خود نگاه داشته بودم و حال هم هیچ گونه طمی بمال دولت و ملت نداشته و ندارم ولی آبا سزاوار بود بعوض قدردانی و تشویق آن باقیمانده داری را نیز دولت های سابق از خانه مسکونی و چهار سال محصول ملک و بردن یک ملک پارچه شش دانگی بنده را برده و نوزده ماه با جمعی در این استان قدس پنهانده و تاحال توجهی بمراضی مظلومانه ما نفرمایند از آنجائی همل بنده هم جزو

همل متخصصین بوده داخل در مذاکرات خصوصی نکشته خاطر آن ذوات مقدس را جلب و عرض میکنم مراضی با متخصصین منقسم بدو قسم است یکی راجع باشخصی که طلب آنها تصدیق و باوجود مساعدت های کاملاً حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و پیشنهاد کتر میلیسیونوز نتیجه از او گرفته نشده دوم راجع بعبادیت که اشخاص بردول داشته وزارت جلیه مالیه حاضر نمیشود در مرجع تظلمات عمومی که قانون اساسی هدلیه را معین نموده جواب بگوید

در باب دعاوی قسم اول که دولت تصدیق کرده استدهای ما این است که هر چه ممکن بشود زودتر مجلس مقدس پیشنهاد محترم دولت را راجع بپیشنهاد کتر میلیسیون و پرداخت دیون عمومی که دولت تصویب فرموده ازدادن خالصه که بعضی بجز از ضرر برای دولت ندارد از مجلس مقدس گذرانیده که امضای دولت محترم و محفوظ طلبکاران بموقوف حقه خود رسیده آسوده شوند و امضای محترم دولت در نزد داخله و خارجه دارای اعتباری گردد

راجع بدعاوی قسم دوم استدها داریم طرحی را که آقای داور عده از نمایندگان راجع بترتیب رسیدگی بدعاوی افراد از دولت پیشنهاد کرده اند و بمیلیسیون هدلیه و مالیه مراجعه شده زودتر تصویب فرمایند تا تکلیف ارباب طلب معلوم و هیئت محترم دولت نیز از گرفتاری این مسئله نجات یابد

مستعان الملک
رئیس - این هر بیضه را کمیسیون هرایس رای داده اند در مجلس قرائت شود
آقای فاطمی
(اجازه)

فاطمی بنده میخواستم عرض کنم که کمیسیون فرامین مالیه مشغول رسیدگی به لایحه دیون دولت بود و دو جلسه اخیر هم موادی تنظیم شد که آقای وزیر مالیه گرفته اند بپیرند در وزارت مالیه که یک مطالعات زیادتری درش بکنند و بیاورند و اگر در جلسه فردا

بیاورند در کمیسیون فرامین مالیه بزودی تمام خواهد شد و راپرتش تقدیم مجلس خواهد شد
رئیس آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده مختصر آخواستم عرض کنم راجع به آن مطالبی که آقای مستعان الملک نوشته اند کسانی که سابقه دارند تصدیق می کنند مطابق با واقع است و حقیقه برای مجلس شورای ملی هم زینده نیست اشخاصی که متحصن میشوند یک مدت طولانی بلا تکلیف بماند اینها برای این متحصن میشوند که زودتر بمقابق رسیدگی شود و بقرار فرمایشی که آقای فاطمی فرمودند امیدواری می رود که زودتر تکلیفشان معین شود و بنده تقاضا میکنم از ایشان اگر این مسئله مثل چیزهای دیگر ممکن است از وزارت مالیه تأخیری بشود یاد آوری فرمایند که زود تر تکلیف اینها معین شود

رئیس - آقای داور
(اجازه)

داور بنده میخواستم در تعقیب بیاناتی که آقایان کردند عرض کنم راجع بآن طرحی که یکمده زیادی از آقایان امضاء کرده اند

یک راپرتی از کمیسیون فرامین مالیه رسیده است میخواستم تقاضا کنم آن خبر امروز و اگر امروز ممکن نیست در اول جلسه آتی مطرح شود در اینجا کمیسیون فرامین مالیه احاله داده است بکمیسیون عدلیه و باید تکلیف کمیسیون هم معلوم شود که زودتر بتوان باین طرح رسیدگی کرد

رئیس - راجع بقانون امروزمان اینجا یک پیشنهادی شد و بنده عرض کردم نمیشود قرائت کرد علتش اینست که آن پیشنهادی که شده است با نظامنامه موافقت ندارد پیشنهاد که میشود باید بطور طرح قانونی باشد و بکمیسیون مبتکرات مراجعه شود بعد بیاید بمجلس

آقای روحی پیشنهاد کرده اند قانون ممیزی جزو دستور شود مخالفم
فاطمی - بنده مخالفم
رئیس - فرمائید

فاطمی - اولاً اینکه آقای روحی در ضمن اظهاراتشان فرمودند که راپرت تمام نشده عرض میکنم تمام شده است و کمیسیون فرامین مالیه هم کاملاً وظایف خود را انجام داده است در چند روز قبل نشست و یک ماده تنظیم کرد و تمام شد باز اغلب آقایان یک ایرادات و اشکالاتی داشتند و تقاضا کردند که این راپرت داده نشود تا در خارج ما یک جلسه تشکیل بدیم و راه حلی پیدا کنیم دیروز صبح ولی هنوز آن راه حلی که همه آقایان اتفاق نظر داشته باشد پیدا نشده

والا کمیسیون راپرتش را داده و اشکالی

نیست و اگر امر فرمایند بنده الان ممکنست راپرتش را بدهم که برای پس فردا هم جزو دستور شود
ولی بر فرض برای پس فردا هم جزو دستور شود و بیاید اینجا مطرح شود آن اتفاق نظر پیدا نخواهد شد
پس بهتر اینست که در عرض اینک که پس فردا این را جزو دستور بکنند فردا آن جلسه را تشکیل بدهند بعد بیاید در مجلس و این قانون تمام شود و هیچ معطلی هم نخواهد داشت

رئیس - باید رأی بگیریم
روحی - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

رئیس - عده کافی نیست - فرمائید
روحی - در ضمن توضیحات بنده راجع بعدم تعطیل کمیسیون ها آقای رئیس کمیسیون فرامین مالیه بطور بلند گفتند که کمیسیون قانون ممیزی را تمام کرده و آقای مخبر اظهار ایشان را تکذیب میکنند عقیده بنده اینست که هر چه پیشنهادی دولت است نباید در مجلس و ما روی آن مذاکره کنیم و قانون ممیزی را اصلاح کنیم والا تا این کمیسیون فرامین مالیه هست قول میدهم که قانون ممیزی هزار سال دیگر هم نخواهد گذشت

رئیس - عده کافی نیست
آقای سید یعقوب - عده برای ختم جلسه هم کافی نیست

وزیر پست و تلگراف - فرار دادی است ما بین وزارت پست و تلگراف و کمیسیونی چون کرسس تقدیم مجلس شورای ملی میشود یک لایحه هم در باب اعتبار متحرک وزارت پست و تلگراف تقدیم مجلس شورای ملی کرده ام و از طرف مجلس شورای ملی به کمیسیون بودجه رجوع شده و کمیسیون هم تصویب کرده است

چون موق العاده لازم است خواهشندم برای دستور جلسه آتی مقرر فرمائید که زودتر بگذرد

رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - در جلسه گذشته که راپرت متعلق بکمیسیون بودجه جزء دستور امروز شد

یکی راجع باستخدام یک نفر حداد آلمانی و یکی هم راجع باستخدام یک نفر معلم دندان سازی بنده نفهمیدم چطور شد که مطرح نشد

رئیس - هر دو نواقص دارد یکی راجع میشود بکمیسیون معارف و یکی هم به کمیسیون دیگر
عده کافی نیست
(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا
منشی م - شهاب
منشی د کتر احتشام طباطبائی

جلسه یکصد و هشتاد و نهم
صورت مشروح مجلس
سه شنبه شانزدهم تیر ماه
مطابق پانزدهم ذیحجه
سنه ۱۳۴۴

مجلس سه ساعت قبل از ظهر
بریاست آقای حسیننخان پیرنیا
تشکیل گردید
صورت مجلس یکشنبه چهاردهم
تیر ماه را آقای آقا میرزا شهاب
قرائت نمودند

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد؟
آقای سید یعقوب - بنده عرض دارم
رئیس - فرمائید

آقای سید یعقوب - آقای میرزا حسن -
خان پیرنیا بر حسب اطلاعی که ما داریم
ناخوش هستند

در اینجا ایشانرا غائب بدون اجازه
نوشته اند
بجهت تذکر عرض کردم

رئیس - کمیسیون هنوز اجازه نداده
است
دیگر مخالفی نیست؟

ضیاء - بنده عرض دارم
رئیس - فرمائید

ضیاء - در دو جلسه قبل وقتی که
راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع بالقاه
منع صدور پوست بره مطرح بود در تبصره
پیشنهاد شده بود که عوائد حاصله برای
صحیه ایالات و ولایات تخصیص داده
شود

بنده پیشنهاد کردم که ایالات هم علاوه
شود
آقای مخبر هم قبول کردند

بعد پیشنهاد آقای تدین که عوائد حاصله
صرف معارف و صحیه شود قابل توجه شده
و به کمیسیون رفت و در راپرتی که بعد از
طرف کمیسیون بمجلس آمد ایالات هم
الحاق شده بود و در جلسه گذشته وقتی که
راپورت کمیسیونی قرائت شد بنده از نقطه
نظر اینکه رأی گرفته می شد به پیش نهاد
آقای تدین پیشنهاد کردم که کلمه ایالات هم
ه و ه شود

و تصور نمی کنم مجلس مقدس هم
مخالفی داشته باشد با اینکه عوائد حاصله
از پوست بره بمصرف صحیه ولایات و ایالات
و ایالات برسد

ایالات که در واقع فاقد تمام وسائل
حفظ الصحیه و معارف هستند البته مجلس
مقدس موافقت خواهد داشت که یک قسمت
از این عوائد بمصرف صحیه ایالات برسد
و اینکه با پیشنهاد بنده موافقت نکرد گمان
میکم از این نظر بود که بعضی از آقایان
نظر داشتند که فقط تخصیص صحیه داده
شود

اینست که بنده عرض میکنم همانطور
که آقای مخبر از طرف کمیسیون قبول کردند

که ایلات هم در رأیت اضافه شود.
 رئیس- آقایان اظهاراتی که می فرمائید
 راجع بصورت مجلس نیست.
 ضیاء - بلی صحیح است راجع به
 صورت مجلس نیست ولی بنده برای اینکه
 کلامه ایالات قبول شده بود و بعد در موقع
 رأی گرفتن درش تردید شد خواستم عرض
 کنم که گمان نمی کنم مجلس مقدس
 موافقت نداشته باشد که ایلات هم علاوه
 شود.
 رئیس - بیچ وجه تردیدی نشده بود
 شما پیشنهادی کردید رأی گرفته شد و قابل
 توجه نشد بعد پیشنهاد آقای تدین رأی گرفته
 شد و تصویب شد.
 هیچ تردیدی نداشت.
 بعضی از نمایندگان - صحیح است.
 رئیس- آقای دولت آبادی.
 (اجازه)
 دولت آبادی - مسئله تعمیم سواد
 خواندن و نه شستن و حساب کردن یکی از
 مسائل است که همه وقت ملت با توجه داشته
 است.
 نمایندگان ملت هم در ادوار سابقه
 همیشه متوجه بوده اند و مخصوصاً در حین
 جریان امور حکومت فعلی این مسئله مدخلیت
 زیاد دارد.
 تصدیق میفرمائید که بالاخره یک روزی
 موکل باید اسم و گیش را بخط خودش
 بنویسد و این فرع داشته سواد است.
 و این مدت مدید که قوانینی برای این
 کار از مجلس گذشته است از قبول قانون
 اساسی معارف و غیره.
 چرا این قوانین اجراء نشده است ؟
 برای اینکه اولاد در مملکت امنیت و آسایش
 نبوده است و نفوذی که باید دولت در تمام
 نقاط مملکت داشته باشد درازمنه اخیر
 نداشته است.
 دوم احصایه در مملکت نبوده.
 و مسئله تعمیم یا اجباری بودن تعلیمات
 ابتدائی فرع بر وجود احصایه است.
 و اساسش داشتن سجل احوال است.
 سوم مسئله بودجه است که هر وقت
 اسم مسئله تعلیم و تعلم اجباری برده میشد
 میگفتند هو این یک بودجه گزاف و زیادی
 لازم دارد و پول نیست.
 بنده در خاطر دارم که در ابتدای تاسیس
 معارف جدید در تمام مملکت پنج نفر آدم
 که بتواند الفبا را بطرز جدید درس بدهند بود
 ولی وقتی که شروع کردیم معلم پیدا کردیم
 کتاب پیدا کردیم.
 تعلیم و تعلم ابتدائی یکی از کارهایی
 است که همینقدر که شروع شد و سائلش
 جمع و اسبابش فراهم میشود.
 حالا در اینوقت که دولت مصمم شده
 است قانون سجل احوال در همه جای
 مملکت اجرا کند.

بنده معتقدم که هر کجا قانون سجل
 احوال تمام شود معلوم می شود چند تا بچه
 هفتساله هست مأمور معارف هم مکتب خانه
 های آنجا را با یک اصل مختصری میتواند
 منظم کند کتابش را در دست بدهد.
 و سائل طبع کتاب هم فراهم است
 و این اینکه عجل تا چیزی تکمیل دولت بشود.
 مکانش را مالک بدهد.
 خرج معلم را هم رعایا و دهاقین و اولیاء
 اطفال بدهند.
 اینکار شدن است.
 در اینخصوص با وزارت معارف هم
 صحبت کرده ام.
 وزارت معارف می گوید :
 با سالی صد هزار تومان که برای این
 کار اعمار داده شود در ظرف دوسه سال
 در هر کجا قانون سجل احوال اجراء شود
 هر چه طفل هفتساله هست ترتیب درس
 بخواند و نوشتن و حساب کردن را میتوانیم
 بآنها بیاموزیم.
 یک مسئله دیگر هم هست :
 در همین بودجه معارف آقایانی که
 اطلاع دارند تصدیق می کنند که یک محل
 هائی هست که ممکنست از آنجا کاهیده و به
 خرج تعلیمات عمومی رسانیم.
 نمی خواهم وقت مجلس را بگیرم فقط
 یک کلامه اش می کنم.
 یک طفلی را از خانه پدرش دستش را
 بگیرند بیرون بیاورند بپوشانند توی صحرا
 رها کنند سرگردان و حیران که نه بتواند
 بخانه پدرش برگردد و نه بتواند بخانه ای
 که می خواهد برسد.
 چقدر گناه است ؟
 این معارف امر وزیر گرام موجودی
 که داریم عیناً این مسئله است که بچه را
 از خانه پدرش بیرون کنند نه آن تحصیلی
 که برای او لازم است که بنویسد و بخواند
 و آنرا تکمیل کند و بعد برگردد بخانه پدرش
 و با همان کار پدرش زندگی کند برای او
 ممکنست.
 نه دستش بزند گمانی دیگری می-
 رسد.
 پس ما میتوانیم این اصلاحات را در
 همین بودجه معارف بکنیم یعنی شش کلاس
 را چهار کلاس کنیم و یک اصلاحاتی در
 پرگرام بنمائیم.
 آقایان ملاحظه فرموده اند اولادهائی
 دارند و بدمدرسه میروند بواسطه این
 پرگرام روح و جسم این اطفال کاهیده
 می شود.
 ما بجای نواب گناه کرده ایم.
 ما می توانیم از این بودجه معارف
 یک قدری بکاهیم و یک مبلغی صرفه جوئی
 کنیم و بدیهیم.
 برای اجرای این لایحه
 علاوه همینطور که دیروز یک محلی
 برای تعلیمات ابتدائی معین شد

در ماده ششم قانون اداری وزارت
 معارف هم نوشته شده است که اوقاف مجهول
 المصرف باید صرف امور بریه و تعلیمات
 بشود.
 تعلیمات هم جزو امور بریه است
 بنا بر این با اقداماتی که آقایان برای
 زیاد کردن بودجه معارف کرده و میکنند
 در سانه این اقدامات هم امری دولت مانعی
 ندارد که از دولت تقاضا کنیم ه جا قانون
 سجل احوال را اجرا کردند مسئله خواندن
 و نوشتن اطفال را هم در ضمن اجرا کنند.
 این لایحه است که در این موضوع نوشته
 شده و متجاوز از پنجاه نفر از آقایان هم
 امضاء کرده اند و اگر دست دیگران هم
 داده بودیم امضاء میکردند.
 این لایحه را تقدیم مقام ریاست میکنم
 و استدعا دارم زودتر این لایحه را بپریان
 بپندازند.
 رئیس- آقای دکتر امیرخان اعلم
 (اجازه)
 دکتر امیرخان اعلم- چون بنده
 برای معالجه چشم استدعای مرخصی نموده ام
 و این معالجه هم مستلزم یک مسافرتی خواهد
 بود اگر چه فعلاً وسائل مسافرت برای بنده
 ممکن نیست ولی نظر با اهمیت عضو مریض
 ناچارم هر قدر گرفتاری داشته باشم وسائل
 حرکت خودم را اگر لازم نشد برای
 معالجه فراهم بیاورم و برای همین هم هست
 که مرخصی را از روز حرکت تقاضا
 کرده ام لذا چون ممکن بود وسائل حرکت
 فراهم بیاید اجازه خواستم بیکار دیگر
 بطور اختصار خاطر محترم آقایان نمایندگان
 را بوضعیات امور صحیح مملکتی جلب کنم
 تا انشاءالله در اینموقع که کمیسیون بودجه
 مشغول مطالعه دخل و خرج مملکتی است
 راجع بامور صحیحی توجهی بفرمایند و بودجه
 صحیح را مقدم سازند.
 بطور مقدمه عرض میکنم که در تمام
 دنیا امور صحیحی زمینه را تشکیل میدهد که
 در روی آن تمام جمعیت ها و فرقه سیاسی
 متحد و متفق میشوند نه تنها در یک مملکت
 بلکه در میان مملکتهای مختلف هر اندازه
 منافع سیاسی آنها مختلف باشد در مسائل
 صحیحی باهم موافقت دارند و با یکدیگر
 کمک و مساعدت میکنند و نظریات شخصی و
 سیاسی را کنار میگذارند.
 در دنیای متمدن راجع بامور صحیحی در
 مقابل آلام و اسقام بشریت اعمال نظریات
 سیاسی را بکار نمیبرند.
 هر کس دارای هر مسلکی باشد هم بقدر
 که یک قدم برای تأمین حفظ الصحیح
 برداشت از طرف دشمنان سیاسی او هم با او
 کمک میشود.
 امیدوارم وطن عزیز ما هم دچار نظریات
 شخصی و سیاسی نشده و همه در پیشرفت
 امور صحیحی متحداً و متفقاً کار کنیم تا شاید
 از این همه تلفات هولناک که همه ساله میبندیم

و نفوس مملکت ما را روز بروز کم میکنند
 جلوگیری کنیم.
 دوره درخشان زمامداری حضرت آقای
 رضا خان بهلوی برای حصول مقصود
 بهترین موقع است و بهمین جهت ایشان
 نظر با اهمیت موضوع صحیح را در تحت
 توجهات عالییه خود قرار داده اند.
 من تنها دارم مجلس مقدس هم از
 طرف خود کمک و مساعدتهای لازمه را
 درین نظر فرمائید و انانیت مقدس رئیس معظم
 دولت همانطور که در سایر مسائل معاضدت
 میکنند در مسئله صحیح هم معاضدت و کمک
 بفرمایند و در مسئله صحیح بیش از سایر مسائل
 جدیت کنند.
 برای کلیه مسائل ما کمیسیون های
 مخصوصی داریم و علاوه بعضی مطالب پیش
 میآید که برای آنها هم تقاضای بعضی
 کمیسیون های مخصوصی میشود و بنده
 پیشنهاد خواهم کرد که یک کمیسیونش
 نفری یا بیشتر از شش نفر برای رسیدگی و
 مطالعه بجهت تهیه وسائل تأمین حفظ الصحیح
 عمومی مملکت انتخاب نمایند و مقیده بنده
 اولین وظیفه نمایندگی قبل از همه چیز
 جدیت در حفظ الصحیح حال موکلین است
 امیدوارم بمدد تعطیل مجلس انشاءالله
 آقایان با این پیشنهاد بنده موافقت و
 مساعدت فرموده و این کمیسیون تشکیل
 شود.
 همانطور که عرض کردم تأمین حفظ
 الصحیح عمومی اولین وظیفه است نمایندگی
 است و نه تنها از وظائف نمایندگی است
 بلکه از وظائف انسانیت و اسلامیت است
 بنده هم اگر تا آنوقت وسایل مسافرت
 خود را بطوریکه حدس میزنم نتوانم فراهم
 آورم البته شرکت خواهم کرد و تجربیات
 خودم را بعرض آن کمیسیون خواهم
 رسانید ولی اگر توانستم وسائل حرکت
 را فراهم کنم از آقایانی که برای کمیسیون
 صحیح معین میشوند و همینطور از سایر
 آقایان استدعا میکنم وقتی که در مسائل
 صحیحی عمومی بحث می فرمایند در نظر
 داشته باشند.
 همانطور که در هنگام مرض خودشان
 یا اولاد خودشان مایل هستند که بهترین
 اطباء در سر بالین آنها بیایند و غذا و دوائی
 آنها در سر موقع برسد این را بدانند
 که آن فقرا و ضعیفا هم همین آرزو را
 دارند.
 آنها هم جان خود و اولاد خود را
 عزیز میدانند.
 در هر صورت صحیح عمومی ایران
 خوب نیست.
 امراض مختلفه خاصه مالاریا در اغلب
 نقاط با کمال شدت حکم فرما هست در
 ممالک اروپا فقط برای مالاریا سالیانه میلیونها
 خرج میکنند.
 آنچه در نظر بنده هست اینست که

فلا دولت ابطالی از چند سال با اینطرف
سالانه هفده ملیون برای مبارزه با مالاریا
خرج میکند .
در مملکت همجوار ما که با بودجه
هنگفتی که برای صبحه دارد در مجله
الهلال احمر راجع به مالاریا اینطور
مینویسد : مالاریا نسل ما را تغییر داده آن
جوانهای قوی البینه آن ترکهای بیلتن
ما در اثر مالاریا از بین رفته اند مینویسد
ما ترکها همان اندازه که برای استقلال
خود میکوشیم باید در جنگ با مالاریا هم
هماقصد جدیت و فداکاری کنیم
مالاریا در ایران ما هم قتل عام
می کند .
ما در مقابل چه کرده ایم ؟
مدهاست پیشنهادی برای خشک کردن
سبزه آب های شهریار تقدیم شده هنوز
کمیسون محترم فوائد عامه با نهایت جدیتی
که دارد متأسفانه نتوانسته است نتیجه
بگیرد و همه روزه صدها ایرانی رنجبر
حقیقی که دست رنجشان مایه آسایش ما
است از بین میروند .
دولت دوا فرستاده است جمعیت شیر
و خورشید سرخ دوا و طبیب معین کرده
و فرستاده ولی تا این آنها خشک نشود
صدها طبیب و خروارها دوا و کنگنه
کافی نخواهد بود
منتهی در میان رعایای شهریار و
ساجیلاغ مالاریا حکمرمان نیست درمازندران
در خراسان .
در گیلان و سایر نقاط مهم ایران هم
مالاریا حکم فرماست
وسالانه عده زیادی از ایرانیها را به
خاک سپاه میزنند بعد از مالاریا مهمترین
بلائی که گرفتار آن هستیم و با وجود آب
و هوا و آفتاب ایران همیشه در ترقیب
مرض سل است که همه ساله عده زیادی
از اطفال و جوانان ایران خاصه جوانان
تحصیل کرده مبتلا بسل شده از میان
میروند .
مرض سل تنها در فراق نیست
در اقیانوس هم زیاد دیده می شود
در ممالک تمدنه جمعیت های مخصوص
برای مبارزه با سل تشکیل شده و پارلمان
ها مساعدتهای مهمی می کنند مرضخانه
های مخصوص برای جلوگیری و معالجه
این مرض در سایه مساعدت آنها تشکیل
شده و بدبختانه در مملکت ما هنوز يك قدم
در این راه برداشته نشده و اگر هم با استقبال
هزاران بلا و آفتی جمعیتی با مرام نوع
پروری و جنگ با این امراض پیدا شود
نتنها مساعدتی در پیشرفت مقصود آن جمعیت
نمی شود شاید خدماتی هم که کرده
است
فدای نظریات خصوصی می شود
بعد از این دوماضی امراض تناسلی
است که در سراسر مملکت ایران بطور

و حشمتك دیده می شود
امراض چشم مخصوصا جوش یلکها
که فراغ می گویند در ایران بدرجه ای است
که کمتر چشم سالم دیده میشود
آن زارع بیچاره که در جلوی آفتاب
برای تریان نان و ثروت و آسودگی ما جان
میکند و کار می کند گمان می کند حق
داشته باشند که ما برای او کاری نکنیم که
افلا کور نشود
جمعی از نمایندگان - صحیح است
دکتر ادیرخان اعلم- اگر بخوام
شرح امراض مختلف و تلفات هولناک
خودمان را خاصه در ولایات عرضه بدارم
هم اسباب تاجر آقايان خواهد شد هم يك
ساعت و دو ساعت و ده ساعت کافی نخواهد
بود
بالاخره بعقد من باید فکر صحیح
کرد و تصبیه قطعی گرفت والا مملکت ما با
اربعصت و باین عرض و طول که بقول
دکتر کلیفور بقدر آسیای و فرانسه و آلمان
وسعت دارد با ده ملیون نفوس آنها غالب
مرض ممکن نیست باین زودی نیشرفت
کنند .
بنده معتقدم که آبادی و ثروت و
عظمت مملکت بسته بعهده بازوان توانای
مملکت است
بعقیده من مهمترین نعمتهای مملکت
صحت و امنیت است .
همانطور که فرموده اند نعمتان
مجهولتان الصحت و الامان
اگر طرق و شوارع بمنزله شرايين
مملکت است اگر معارف دفاع مملکت است
با کمال جرات عرض کنم صبحه روح
مملکت است و بدون روح ندر شرايين
خون جریان پیدا خواهد کرد و نه دماغ
وظائف خود را انجام خواهد داد
و برای اینکه گفته شود معارف را
فراموش میکنند چنانکه در خارج شنیده ام
لازمست این را بطور جمله معترضه
عرض کنم که بنده در همان حالی که همیشه
در صبحه صحت میکنم کمتر از هیچ معارف
خواهی خدمت نگردم و تنها بحرف هم
قناعت نکرده ام بلکه همیشه برای معارف کار
می کرده ام مدرسه طب زانه ایران که در
تاریخ وطن ما شاهد عنوان مهمی داردهمان
بیارستان رزان و کود کانی است که بنده
تاسیس کردم
قابلهای تحصیل کرده شاگردان و
دبیره های آن مدرسه هستند و سال آتی در
همان مرضخانه دوره طب کامل گفته
می شود
اگر شاگرد مدرسه طب در مرض -
خانه ها عمل میکنند نتیجه پرگرمی است که
بنده برای مرضخانه احمدیه که آتم از
تاسیسات خود بنده است نوشته بودم
پس بنده بمعارف عملا خدمت
کرده ام

و به حرف هم قناعت نکرده ام عقیده
بنده این است که قسمت اعظم بدبختیهای
مانتیجه فقدان وسائل صبحه عمومی
است .
از يك جامعه مریض چه اقدام مهمی را
میتوان انتظار داشت ؟
جامه مرکب از افراد است .
وقتی که افراد مریض شدند جامعه
مریض است و از مریض نمیتوان برداشتن
قدمهای بلند انتظار داشت .
فکر مریض مریض است .
جهالت ما و فقر و فاقه ما و بیگاری ما
همه نتیجه نداشتن صبحه عمومی است زیرا
شخص سالم و قوی البته بیکار نمیاند
بخوبی ملت می شود که باید کار کند و مثل
دیگران تحصیل علم کند و قوی باشد ولی
شخص مریض هر قدر بگویند و نصیحت
کنند که باید کار کند و با علم
و قوی باشد نمیتواند معنی این حرفها
را ادراک نماید .
نوزده سال است بنده با ایران مراجعت
کرده ام این مدت شب و روز خدمت معارف
و راه را شنیده ام صدها بلکه هزارها
کنفرانس و انجمن ها که خود بنده هم در
بعضی از آنها شرکت کرده ام تشکیل
شده معذک حالا شکایت نمیکنم
که معارف ما آنطور که لازم است پیشرفت
نکرده .
چرا قبل از اقدام اداره قشونی در
آذربایجان بکار رشته راه هم خودمان نساخته
بودیم ؟
بعقیده بنده اینها همه نتیجه عدم وسیله
حفظالجه است .
این يك اصل مسلمی است که شخص
مریض هیچ علاقه بدبگیری ندارد .
اگر فرض کنیم که جماعتی مرکب
از افراد مریض باشد ممکن نیست در
منافع عمومی کار بکنند زیرا هر کس در فکر
خود است .
ظاهر آ معارف نتواند میشود بجان و مال هم
حاضر هر کار هست اما وقت عمل که میشود
هیچ اثری نیست .
بهترین دلیل بنده هم همین کمیسون
مخصوص است که از بهترین و متور الفکر
ترین و با نفوذترین هموطنان ماسه سال است
برای معارف تشکیل شده و گمان نمیکنم
در این مدت بیشتر از دوازده هزار تومان
جمع آوری کرده باشد . چرا ؟
برای اینکه سدی استمداد کمیسون
در جامعه مریض اثر نمیکند .
حالا بعضی عقیده دارند که این جهل
عمومی است که نمیکند اثر کند ولی
بعقیده بنده اینطور نیست .
زیرا آنهایی که بیشتر تحصیل کرده اند
لافت تر مانده اند
و علت حقیقی همان است که عرض
کردم .

ایرانیان قدیم این مسئله را خوب ملتفت
شده بودند
آقايان در تواریخ دیده اند که ایرانیان
اولاد خودشان را در سرامو کرما می گذاشتند
که آنها بیکه ضعیف البینه هستند از بین بروند
آنها که قوی البینه هستند بمانند و مهمترین
علت عظمت باستانی ایران همین اقدام
بوده است
در عده ساسانیان انوشیروان عادل
برای تمام قراعه و قصبات مملکت اطباء صحتی
فرستاده بود و از این راه عظمت ایران را
تأمین کرد .
دین مبین اسلام اساس حفظ الصحه
را با عالی درجه رسانید
و حفظ نفوس را بر همه چیز مقدم داشته
در اسلام (البته آقای مدرس بهتر
میدانند) غیر از موانع جهاد و دفاع از وطن و
دین حفظ نفس بر تمام مسائل و احکام مقدم
است
اگر بتاریخ دوست سال قبل زمان
صفویه نظر کنیم می بینیم که صفویه برای
تأمین عظمت خود در تمام شهرها مرضخانهها
بنام دارالشفات تاسیس کردید
نادر شاه افشارا که فتحهای معجزالعقول
کرد بعقیده من برای این است که قوی البینه
بود
دورنرویم
حضرت اشرف آقای رضا خان بهاولوی
زماندار کنونی مادر سایه صحت مزاج و قوت
بنیه توانست این همه خدمات را انجام
بدهد
قشون را پیش برد
معارف را هم دارد پیش میرود که عملا
قرب قشون ما مثل قشون های خارجه
میشود
مثل اینکه بنده در دو سال قبل هر وقت
خدمتشان میرسیدم و هر قدر زود میرفتم
میکفتند تشریف برده اند میدان مشقیس
اینها همه نتیجه بنیه قوی است
اشخاص مهم تاریخی هم قوی البینه و
قوی الاراده بوده اند
حال اگر در مملکت اکثر افراد قوی
البینه باشند البته مملکت با فقه های بلندی
رو بترقی سیر خواهد کرد پس باید در راه
صبحه عمومی فداکاری کنیم
صرف کسر بودجه را هم که آقای
دولت آبادی فرمودند بعقیده بنده تا بحال
آفت جان معارف و توسعه صبحه عمومی
بوده باید در این مورد بخصوص کنار بگذاریم
و بعقیده شخص بنده (چون در خارج عرض
کرده ام در اینجا هم عرض میکنم
که فرضها کر باشد باید کرد و حفظ الصحه
عمومی را تأمین نمود
اساس معارف هم روی حفظ الصحه
است .

عقیده بنده در خصوص صبحه و معارف همیشه
این بوده است که اگر فرض هم شده
است بکنیم
و پولی که در این دو مسئله خرج
می شود خرج نیست نفع است و دخل
است
نمایندگان محترم مخصوصا نمایندگان
ایالات و ولایات همان علاقه مندی را که به
معارف دارند باید بامور صبحه هم داشته
باشند و بنده همین وکیل خراسان هستم در
این عقیده با آقايان شریکیم و برای اینکه
ندانید علاقه من تازگی ندارد فقط يك
دلیل عرض می کنم
آن این است که از نه زده سال قبل که
از اروپا با ایران مراجعت کرده ام در سایه
توجهات اموطنان عزیز بمقامات عالی
رسیده ام
وزیر هم بودم و کجا هم بودم حالا
هم هستم این مقامات من همه حقوق داشته
است .
حقوق آنها را خوب است در يك صفحه
بنویسد جمع بزند و وجه را هم که بنده
شخصاً برای امور صبحی مملکتی خرج
کرده ام
اگر در صبحه دیگر جمع بزنند و مقایسه
نمایند معلوم میشود که بنده همیشه مجانا
خدمت کرده ام و این حقوقهایی را که در
ازای زحمات خود دریافت میداشتم بصورت
مرضخانه بوظیفه برد کرده ام
خلاصه برای اینکه مزاجم خاطر
آقايان نشوم فقط راجع به بودجه اینجا عرض
میکنم که بودجه صبحه در بار سال و برابر
سال صدوسی و شش هزار تومان بوده
است که از آن
سی و دو هزار تومان برای مرضخانه
دولتی
سبزه هزار تومان برای مریضخانه
وزیری
ده هزار تومان برای مریضخانه نسوان
بیست و دو هزار تومان برای انستیتو
باستور و بیست و يك هزار تومان برای مرکز
اداره صبحه و باره مخارج اداری بود
و در باره مخارج اداری
باید عرض کنم که بودجه آبله کروی و
فیضا که حقیقتاً باید از عشر نواقل داده
شود .
مالیه قبول نکرد و گفت حتماً باید در
بودجه بیاید و بعد موضوع کنیم تمام مخارج
اداری و اعتبارات از بودجه داده شده
آقايان در بار سال حق داشتند که
فرمودند برای ولایات و ایالات چیزی منظور
نشده اگر چه آن بیست و پنج هزار تومان
قرانطین خانها راجع میشود و ولایات چهار
هزار تومان شهریار مال مرکز نیست
و باده یازده هزار تومان اعتبارات
تقریباً سی هزار تومان ولایات است و اینکه

بار سال میفرمودند پنجاه هزار تومان که خرج
مریضخانه های طهران میشود کسر کنیم
و به ایالات و ولایات بفرستیم البته اگر این
ترتیب میشد بنده هم چون و کبیل ایالات هستم
اول کسی بودم که رای میدادم ولی از طرف
دیگر نمیتوان منکر شد که مریضخانه های
دولتی با مریضخانه نسوان را که در آتیه
برای طبیب ها و قابله ها میروند که
محتاج بقابله های بیگانه نباشیم نباید قلم
بزینیم
فقط این کده را عرض میکنم که این
پولهائی که در این مریضخانهها در مرکز
خرج میشود به ایالات و ولایات هم
مربوط است
زیرا اولاً اغلب از مرضا اهل طهران
نیستند از طرف می آیند و در اینجا معالجه
میشوند
ثانیاً این در حقیقت يك بودجه معارفی
است
بوجه صحیحی در واقع نیست
برای اینکه این اطباءئی که باز
غالبشان از ایالات و ولایات میآیند برای
تحصیل در دارالعلوم باید در مریضخانهها
عملیات ببینند اگر در مریضخانهها عمل نه
ببینند چندان اعتدای بکار آنها نخواهیم
داشت
پس این پول برای صبحه خرج نمیشود
و اگر بگوئیم این پول را نصف کنیم نصفش
را بفرستیم و ولایات مثل این است که يك
چارك ماهوت برای کلاه خودمان بگیریم بعد
بخوایم يك سرداری هم از او درست کنیم
و آن رانکه تکه کنیم بالاخره نتیجه این
بمیشود که این بارچه
پاره پاره میشود ولی نه سرداری خواهد شد
نه نیم تنه نه آن کلاهی که میخواستم چون
چون بطوریکه عرض کردم آقای رئیس-
الوزراء امور صبحی را در تحت نظر خودشان
گرفته اند و صد هزار تومان بر بودجه صبحه
علاوه شده است از این مبلغ هم چون مریضخانهها
خراب است .
و آقايان ممکن است بروند مریضخانه
ها را ببینند ما مجبوریم مریضخانهها را
تعمیر کنیم
پس از این پول يك قسمتش برای این
مصرف تمین شده ولی این هم کافی
نیست
آقا سید یعقوب- تمام صد هزار تومان
هم کافی نیست
دکتر امیرخان اعلم- بنده همیشه
فریضات آقای آقا سید یعقوب را با کمال
ادب می شنیدم بعلاوه بنده زیاد صحبت
نمیکنم حالا هم که عراض میکنم برای
این است که این عراض لازم است و بنده
چون بامور صبحی خیلی اهمیت میدهم وقتی
دکتر میلسیو اینجا بود برای اینکه يك
مجلسی پیدا کنیم مکرراً ایشان صحبت میکردیم
و ایشان میگفتند يك مرتبه میشود از اینجا

بکوه دماوند جستن کرد ولی نمی شود از
حقوق يك وزارتخانه يك تومان کسر
کرد .
من با نهایت موافقتی که در پیشرفت
امور صبحی دارم چه کنم ؟ محل نیست و
بالاخره پس از فکر زیاد معنی را که بنده
بار فبق محترم آقای مشیر معظم در نظر
گرفتم مسئله عایدات کبریت بود که امیدوارم
انشاء الله حل شود
این بود شرح امور صبحی ما و همه
آقايان هم علاقه مند هستند و امید است عملا
علاقه خود را نشان دهند .
اگر بنده توانستم وسایل حرکت خودم
را فراهم بیاورم و تا آنوقت نبودم امیدوارم
آقايان و مجلس پنجم امور صبحی مملکت
را بیک جانی برسانند و يك نام تاریخی از خود
بیارگار باقی گذارند
آقا سید یعقوب- بنده پیشنهادی کرده
بودم راجع نا انتخاب اعضاء
رئیس - حالا موقعش نیست . آقای
سلطانی
سلطانی - چون مذاکرات طول
کشیده بنده عرض کردم را خیلی مختصر
عرض میکنم
شول اول قانون مرور زمان در کمیسیون
عدلیه گذشته و همانطوریکه آقايان ملاحظه
فرموده اند طبق و توزیع هم شده و یازده
روز هم مدت برای نظریات آقايان معین
شده بنده نظر اینکه قانون مرور زمان برای
مملکت لازم است
موافقم لیکن ممکن بود این قانون
را طوری تدوین کنند که ضمناً مغالفتی هم
بادیانت اسلام نداشته باشند بنده میدانم آقای
آقا شیخ جلال هم بهتر از بنده میدانند
که این قانون با ضروریات دیانت اسلام
مغالفت دارد
وا از این جهت بنده لازم میدانم نظریات
خود را عرض کنم
(همه بین نمایندگان)
آقا سید یعقوب- اینطور نیست- همه
متدینند
سلطانی- البته همه متدینند و همه
عاملند
ولی بنده ثابت میکنم (همانطور که
امراضات خود را هم نوشته ام) که این
قانون که فعلاً تدوین شده حالا اگر تغییر
کنند چه عرض کنم مخالف با ضروریات دین
اسلام است
و پیش از این دیگر چیزی عرض
نمیکنم
عرض دیگری که میخواهم عرض کنم
این است که البته آقايان بخوبی میدانند
در موقع گرفتن مشروطه نویدی که ب مردم
میدادند و تشوقی که میکردند این بود که
عدالت در مملکت حکم فرما خواهد شد و
اگر اشخاص باشند که بزور مال مردم را

تصرف کرده باشند از آنها مسترد کرده و
بصاحبانشان رد میکنند
ولی این قانون فعلی کاملاً از این
ترتیب جلو گیری میکند
مانا حالا مشروطه بتمام معنی که يك
نفری بتواند کاملاً بخونش برسد و از حش
استفاده کند نداشته ایم .
قانون مرور زمان يك وقتی بوجوب يك
تصویب نامه وضع شد که حاش بر همه معلوم
است .
این قانون در زمان کابینه سه سالار
وضع شد و ملت هم این بود که در خصوص
املاک مازندران بر سه سالار ادا داشتند
و او در کابینه خودش هم این محکمه را که
مدعی علیه عارض شده بود منحل کرد و هم
آن وکیل را تبعید کرد .
و هم این قانون را بوجوب تصویب-
نامه وضع کرد که دهای بیش از ۲۰ سال
پنبرفته نشود و مخصوصاً ماده ۳ این قانون
بشرحی که در اینجا تدوین شده است طوری
است که اگر يك محکمه در جریان باشد و
از محکمه ابتدائی گذشته باشد و از استیفاء
هم گذشته و به تیزرفته باشد .
باز مدعی علیه میتواند استفاده از این
قانون مرور زمان بکند
و اگر ملاحظه فرمائید خواهید دید
که قانون مغالفت قانون فعلی مملکتی هم
هست .
زیرا تمیز بر طبق قوانین جاریه می-
تواند يك حکمی را نقض کند یا ابرام
کند .
البته این مسئله را باید در نظر گرفت
که حقوق ضعیفا یا بی مال نشود و قوانینی که
وضع میشود باید از روی مصالح مملکت
و مردم باشد همین بود خلاصه عراض
بنده .
رئیس- آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی- امروز چیزی در دستور
ندایم ولی از آنطرف شاید ۱۰ طرح
قانونی در کمیسیون ها موجود است که
عده از آنها برای دستور حاضر است ولی
در عین حال يك مسأله هم در اینجا باید
گفته شود .
این مرتبه پنجم یا ششم است که بنده
در دوره پنجم از مذاکرات قبل از دستور
استفاده میکنم .
یکی از اشخاصیکه در کمیسیون تجدید
نظر در نظامنامه داخلی اماندا کره قبل از
دستور مخالف بود بنده بود ولی در عین
حال يك مملکتی که درد ها دارد نباید
يك مسائل لازمی را در موقع خودش اظهار
کند .
بنده در فلسفه مذاکره قبل از دستور
فکر میکردم و لازمست در این زمینه
دوسه کلمه حضور آقايان عرض کنم
اساساً يك دولتی طرف اعتماد مجلس

شورای ملی است ولی ممکن است در بعضی از موارد دولتی یک مسئله اتفاق بیفتد که موافق مصالح مردم نباشد برای اینکه دولت هم که بالاخره معلوم نیست و ممکن است که بعضی از اعضاء آن منظور کنند خوب کار نکنند بعضی آقایان میفرمایند از دولت سؤال کنند.

نتیجه آن را هم دیده ایم و بالاخره ثابت شده در اثر سؤال در هر حال زیادتر از مذاکره قبل از دستور نیست. میفرمایند استیضاح کنید.

این هم چیز غریبی است که یک وکیل موافق دولت بر سر یک چیز جزئی که راجع به محل و حوزه خودش است هر روز و روزه استیضاح را روی میز مجلس بگذارند خوب پس تکلیف این و کما موافق دولت در صورتیکه یک جریان اداری برخلاف قانون ببیند چیست؟

بمقتبه سوق الطبیعه اینطور پیش آمده که از مذاکره قبل از دستور باید استفاده کرده مطالب خودش را اظهار کند.

بنده که یک نفر وکیل موافق دولت هستم در این مجلس یک وظیفه دیگری را هم برای وکیل قائل هستم و آن وظیفه او کاتب است یعنی باید وکیل مرا فراموش نکند که خودش باشد و عقیده بنده این است در این مملکت که در دهائی موجود است تنها وظیفه وکیل این نیست که در مسائل عالی سیاستی دخالت بکند.

بلکه نا چند دوره دیگر یعنی تا وقتیکه امورات باین شکل است باید وکیل مدافعه موکلین خودش باشد و در جریان ادارات هم که مربوط با احتیاج و وظیفه اوست دخالت کند.

بنده نهصد و شصت کاغذ با ادارات دولتی نوشته ام (چون کاغذهای بنده نمره دارد) مضمون ها کاغذهای است که در جریان ادارات افتاده ولی نتیجه گرفته نشده است و بعضی راه اصلاح جواب نداده اندو شاید بعضی هم نتیجه داده است.

غرض این است بنده تا حالا نهصد و شصت کاغذ با ادارات نوشته ام و تا آخر دوره هم شاید دوهزار تا باشد ولی بعضی مسائل است که بنده باید در اینجا اظهار عرض کنم و آخرین حرفه که بدست من است اینست که مطالب خودم را در اینجا عرض کنم تا شاید در نتیجه استفاده کنم از اینجهت از آقایان خواهش میکنم که در ضمن مذاکرات بنده غرغر نفرمایند.

بنده از محل خودم که اصفهان است چندین فقره نظلمات دریافت کرده ام کدر ظرف این یکسال بنده شکایت کرده ام و بنده هم در این مدت اقدام کرده ام ولی تاکنون با نتیجه موفق نشده ام.

شهر اصفهان بعنوان مخارج بلدی شاید چهار پنج هزار تومان در سال پول بدوات می دهدو بنابراین دیگر هم پول میدهد.

ولی فقط یک قلم از بابت نواقص چهار هزار تومان میدهد از این مبلغ ۱۲ هزار تومان را بلدی میدهد که تقریباً شصت هفتصد تومان آنهم خرج اداره بلدی می شود و وقتیکه حساب کنیم می بینیم فقط ماهی پانصد تومان خرج بلدی اصفهان می شود در حالی که آقایان بخواهند میدانند که اصفهان یک از بلاد معظم ایران را که از طهران بزرگتر نباشد کوچکتر از طهران نیست.

در صورتیکه ماهی پنجصد هزار تومان خرج تنظیف و روشنائی طهران می شود ربا از کایت نمیدهد آنوقت بشهر معظم اصفهان که از هر حیث با طهران مساوی است ماهی پانصد تومان از بابت خرج بلدی داده میشود!

و این را بنده کاملاً مخالف عدالت می دانم و در اطراف این قضیه تمام آقایان و کلای اصفهان اقدام کرده و بوزارتخانه زفته اند و حرف زدند و هیچ نتیجه تاکنون نداده است.

بنده مجبور عرض کنم که این یک ظلم فاحشی است که بشهر اصفهان می شود.

و از آقایان محترم بخواهم بگویند که دولت هم که حاضرند تقاضا دارم که فقط یک توجهی مبذول دارند.

نه پول بدنند نه خرج کنند هیچ چیز لازم نیست.

را خرج خود بلدی بکنند این بولی را که مالیه می گیرند لازمست خود بلدی بگیرد و خرج بکند تا شهر اصفهان یک قدری از وضعیت کنونی نجات پیدا کند.

یکی از مسائل دیگر اصفهان مسئله نظمی آنجا است.

آقایان شاید درست مسیوق نباشند ولی بنده چون مربوط به محل خودم است تمام دانم که بودجه نظمی اصفهان از بودجه تمام شهرهای این مملکت کمتر است.

مثلاً بودجه نظمی اصفهان از شهر مشهد کم تر است.

بله خراسان یک ایالتی است و هر کدام از شهرهایش نظمی دارد ولی بودجه نظمی اصفهان از بودجه نظمی خود شهر مشهد کم تر است.

بنده تصدیق دارم که بودجه نظمی شهر مشهد هم کم است ولی مال اصفهان خیلی کمتر است و در این باب هم هر چه تاکنون اقدام کرده ایم نتیجه بدست نیامده و مردم بدانند که ما اقدامات خودمان را کرده ایم میکنیم حالا درست توجه نمی کنند بکنند ما مربوط نیست اصفهان شهری است که شاید معاملات مملکتی و تجارتنی آن از اکثر بلاد

ایران بیشتر باشد باین حال هنوز یک اداره ثبت اسناد ندارد در صورتیکه همه آقایان میدانند که قانون اداره ثبت اسناد از مجلس گذشته و این قانون هم که منحصراً برای طهران وضع نشده بلکه برای همه جا وضع شده است و اگر یک اداره ثبت اسناد در اصفهان دایر می شد بیشتر از مخارج خودش عوائد بدوات میداد بودجه لازم ندارد و عایداتی که از این طریق وصول می شود مخارج اداره ثبت اسناد را کفایت می کند بلکه زیاد هم می آید.

باینحال از یک توجه کردن فقط مضایقه کردندند.

استیضاح عدلیه اصفهان راه منحل کردندند.

اداره ثبت اسناد هم ندارد در صورتیکه همه آقایان میدانند که قانون اداره ثبت اسناد از مجلس گذشته و این قانون هم که منحصراً برای طهران وضع نشده بلکه برای همه جا وضع شده است و اگر یک اداره ثبت اسناد در اصفهان دایر می شد بیشتر از مخارج خودش عوائد بدوات میداد بودجه لازم ندارد و عایداتی که از این طریق وصول می شود مخارج اداره ثبت اسناد را کفایت می کند بلکه زیاد هم می آید.

باینحال از یک توجه کردن فقط مضایقه کردندند.

استیضاح عدلیه اصفهان راه منحل کردندند.

اداره ثبت اسناد هم ندارد در صورتی که منتظرین خدمت در عدلیه زیاد است و عوائد هم خودش دارد.

راجع به معارف و صحبه که امشاء الله هر روزه ورد زبان ما است و در آن زیاد صحبت میکنیم چه عرض کنم نسبت به مرکز بازرگ توجیهاتی منظور است.

یک مریضانها و مدارس عالی در مرکز موجود است ولی متأسفانه این توجه از محوطه طهران تجاوز نکرده است راجع به معارف فریاد می زنیم ولی معارف طهران در موضوع صحبه حرف می زنیم حتی عمل هم میکنیم ولی راجع به طهران در تمام اصفهان اگر یک مریضانها میانند صفر دیگر هیچ صحبه ندارد شاید چهار پنج نفر دکتر داشته باشد که صدیک اهالی را نمی توانند رسیدگی و معالجه کنند.

همینطور که طهران معارف و صحبه می خواهد شهرهای دیگر هم می خواهند آن هم حق دارند.

اصفهان که یکی از شهرهای معظم مملکت ما است و شاید جمعیتش هم با مرکز مساوی است باید صحبه و معارف داشته باشد.

سایر شهرها هم محتاج معارف و صحبه هستند.

یکی از مسائل دیگر که مربوط به جمعی از اهالی اصفهان است و تاکنون هم اقداماتی شده ولی بی جواب هائی است که فوراً البته است نتیجه دیگری حاصل نشده مسئله خالصجات انتقالی آنجا است.

شاید خیلی از آقایان منحصر باشند و آقایان و کلای اصفهان هم بخوبی می دانند که اصفهان مقدار زیادی خالصجات انتقالی دارد.

و در عهد قدیم که دولت خالصجات را بر مردم واگذار کرده بود در تحت یک اصول معینی نبود امروزه دچار یک مالیات خیلی سنگین شده و یک بلاتکلیفی برای مردم اصفهان حاصل کرده و مردم حاضرند

هر تکلیف عمومی که دولت معین کند قبول کنند.

ولی متأسفانه تاکنون دولت تکلیف اساسی در این باب معین نکرده و هر چه ما کاغذ نوشته ایم نتیجه نداده است.

رئیس - آقا عده برای رأی مذاکره کافی نیست.

شیر و آبی چشم بنده هم نظقم را همین جا ختم میکنم.

رئیس - بقیه اش می ماند برای بعد.

(در این موقع جلسه تعطیل و پس از نیم ساعت تشکیل ولی عده کافی حاضر نشدند)

رئیس - (پس از ده دقیقه انتظار عده کافی نیست بیست دقیقه تنفس داده می شود مجدداً جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ربع ساعت تشکیل گردید.)

رئیس - پیشنهائی شده است راجع بدستور مجلس قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

بشده پیشنهادهای می کنم خبر کمیسیون بودجه راجع باعتبار متحرک وزارت پست و تلگراف در درجه اول جزو دستور قرار داده شود.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - خبر کمیسیون قرائت میشود

هفتاد و دور رأی تصویب شده اسامی رأی دهندگان آقایان شیخ مهدی طاهری . میرزا سید حسن کاشانی . شریعت زاده . داور . هاشم بهرامی . نجات . اکبر میرزا . حسینعلیخان فرزند . شیروانی . میرزا محمد تقی ذوالقدر عباس میرزا فرزند . اسماعیل و کیل . ندین محمد علیخان اسدی . میرزا بدالله خان میرزا محمودخان وحید سعد . میرزا آقاخان حبیب الله خان . شادلو هر هری . سهرابخان میرزا محمدخان معظمی . حاج میرزا عبد الوهاب . لطف الله خان لایقوانی . سیف الله خان اسکندری . دامغانی . دیوان بیگی جهانشاهی . حاج میرزا اسدالله خان . خواجوی مفتی میرزائی . علالالدین بهبهانی . داکتر آقاییان . اتحاد . دادگر . حبیب الله خان کمالوند . رهنما . ناصر ندامانی . سلیمان میرزا . سید کاظم بزیدی . اخگر . میرزا رضاخان حکمت . میرزا عبدالعزیز صدر حاج میرزا علیرضا . شیخ عبدالرحمن حاج آقا اسمعیل . حسینخان اسفندیاری میرزا علیخان خطیبی . شیخ الاسلام میرزا ملاری . ضیاءالاطباء . زهیم . طهرانئی دکترا میرزاخان اعلم . میرزا محمدخان مصدق امیر حسینخان بختیاری . دستغیب . روحی صدرائی . کازرونی . دولت آبادی . سلطان ابراهیمخان افخمی . سید احمدخان اعتبار میرزا احمدخان اتابکی . حیدرقلی میرزا حشمتی . سید حسن اجاق . محمد هاشم میرزا سالار اشرف . میرزا سید احمد احتشام . علانی . میرزا شهاب

رئیس - دوفقره برای نظارت در استخراج آراء انتخاب کسری اعضاء کمیسیون عدلیه معین میشود.

(استخراج بعمل آمده آقایان دستغیب و فرج الله خان آصف معین شدند)

رئیس - انتخابات از حالا شروع میشود.

پیشنهادی است قرائت میشود (آقای میرزا شهاب بهضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون فوائد عامه راجع بمعافیت انومبیل بارکش کارخانه کبریت سازی آذربایجان از تأدیبه باج راه نواقص در درجه دوم دستور امروز قرار داده شود

رئیس - مخالفی ندارد؟

کمیسیون قوانین مالیه است

آقای میرزا شهاب - بسیار خوب بنده هم کمیسیون قوانین مالیه پیشنهاد میکنم

رئیس - آقایان مستحسبین آراء تشریف ببرند

(آقایان دست قیب و فرج الله خان آصف خارج شدند)

رئیس - خبر کمیسیون قرائت شود

(باین عبارت خوانده شد) ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون تا اقبضای سال ۱۳۰۶ یکصدستگاه اتومبیل باری متعلق بکارخانه کبریت سازی که مخصوص حمل و نقل مواد خام کبریت کارخانه است از باج راه و مالیات نواقص معاف خواهد بود.

رئیس - آقای خطیبی تشریف ببرید بیرون برای رأی دادن

انتخابات از طرف دست راست شروع میشود.

آقای داور (اجازه) داور - موافقم

رئیس - آقای دادگر (اجازه) میرزا حسینخان دادگر - موافقم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه) بعضی از نمایندگان - مخالف ندارد؟

رئیس - رأی گرفته میشود ماده واحده آقایان موافقین ورقه سفید و الاورقه کعبود خواهند داد.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هفتاد و هشت ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حضار هشتاد و سه با هفتاد و هشت رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان : آقایان میرزا اسمعیل خان و کیل . شیروانی . اکبر میرزا . هاشم . داور . کاشانی . ندین . داکتر حسین خان بهرامی . شریعت زاده . محمدعلیخان اسدی . صدرائی . روحی . حبیب الله خان شادلو امیر حسین خان بختیاری . حاج شیخ عبد الرحمن . میرزا محمدخان مصدق . آقا شیخ محمدعلی طهرانئی . داکتر امیرخان اعلم . زعیم . حاج میرزا علیرضا . شیخ الاسلام . ضیاءالاطباء . میرزائی . سید ابراهیم ضیاء سهراب خان دامغانی . داکتر آقایان حاج میرزا عبد الوهاب . لطف الله خان لایقوانی اسکندری . هر هری . میرزا محمدخان معظمی حاج میرزا اسدالله خان . خواجوی . میرزا آقایان . میرزا محمودخان وحید سعد . مفتی . جهانشاهی . میرزا بدالله خان . علانی سالار اشرف . آقا شیخ جلال . آقا سید کاظم آقا سید حسن اجاق . میرزا احمد خان اتابکی . محمد هاشم میرزا . تقی زاده . حاج آقا اسمعیل . حیدرقلی میرزا . حشمتی دولت آبادی . اسمعیل قشقائی . اخگر . آقا شیخ محمدعلی الموتی . میرزا رضاخان حکمت . میرزا عبدالعزیز صدر . کازرونی میرزا سید احمدخان اعتبار . سلیمان میرزا ناصر ندامانی . رهنما . میرزا حبیب الله خان کمالوند . دادگر . اتحاد . آقا سید هاشم الدین بهبهانی . آقا میرزا شهاب الدین . میرزا سید احمد احتشام . سلطان ابراهیم خان افخمی

میرزا علیخان خطیبی . میرزا حسین خان اسفندیاری . آقا سید مصطفی بهبهانی . آقا سید یعقوب . آقا شیخ فرج الله عباس میرزا فرزند . آقا شیخ محمد تقی ذوالقدر . حسینعلیخان فرزند . حاج سید محمد سلطانی دیوان بیگی . نجات .

رئیس - پیشنهاد آقای بهار قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)

اصطلاحات بعضی از مواد قانون انتخابات را که طبع و نشر شده است و معجز کمیسیون مسترد داشته و مواد ذیل را که در ضمن مواد مندرجه است بحکم اختصار و ضرورت تقدیم و تقاضا مینماید مطرح شود مواد هشت - نه - یازده - بیست و یک - بیست و شش و بیست و هشت پنجاه و یک و پنجاه و دو و پنجاه و شش (تقی بهار)

بعضی از نمایندگان - خوب است مواد را بخوانند

رئیس - (خطاب به آقای بهار) خودتان مسترد کرده اید

بهار - بله .

شور اول گذشته بود . برای شور ثانی مساوی بطور اختصار کمیسیون تهیه کرد طبع و نشر هم شد .

بعد نظر با احساسات آقایان نمایندگان و نظر باینکه کمیسیون معتقد بود این مواد زودتر باید از مجلس بگذرد تا بصرای انتخابات آتی بهر بدر بخورد لذا تائیباً کمیسیون رأی داد موادی که طبع و نشر شده مسترد شود و چند ماده مختصر از بین آن مواد طبع و نشر شده مطرح شود و خلاصه آن موادی که بعد از استرداد لایحه تائیباً تقدیم و پیشنهاد میشود .

این موادیست که کمیسیون امر داده است تقدیم مجلس شود:

یکی راجع بقضیه شروع بانخابات است که انتخابات زودتر شروع شود و اقلاً چهار ماه بآخر دوره مانده شروع شود و از شش ماه بآخر دوره مانده مقدمات انتخابات از طرف وزارت داخله تهیه بشود و البته درین قسمت توافق آقایان محسوس بود .

یکی توأم بودن اخذ تعرفه و دادن رأی است دیگری رسمی شدن مجلس است که پس از تصویب سه ربع از اعتبارنامه ها معین گردانند و این هم بصلاح مقید است که در نظر گرفته شده است و تصور نمیشود آقایان مخالفی داشته باشند .

یکی هم مسأله حقوق ایاب و ذهاب آقایان نمایندگان است که مطابق ماده که قرائت میشود بنظر آقایان میرسد و چون مدت تعطیل خیلی طولانیست و بعد از تعطیل هم کارهای فوری در نظر است که آقایان صلاح بدانند آن مواد مختصراً که گویا شش هفت ماده بیشتر نیست مطرح شود و رأی گرفته شود .

رئیس - آقای داور (اجازه) داور - بنده متأسفانه مخالف هستم و علت مخالفت بنده هم اینست که بطور اجمال عرض میکنم:

قانون انتخابات یکی از مهمترین قوانینی است که در یک مملکتی که با اصول حکومت ملی زندگانی میکند و این اصل در آنجا اجرا میشود .

نمیشود با عجله و بدون تأمل زیاد دستکاریش کرد .

کلیه قانون مثل یک وجوه زنده می ماند که اگر شما بعضی از اعضاء او را دستکاری کنید بغیال اینکه اصلاح شود ممکن است در آن دستکارهایک مثل بزرگی پیدا شود .

وقتی که می خواهید یک قانون را دست بزنند همیشه در آن مالکی که مخصوصاً زیاد قانون وضع کرده اند و در این مسائل بیشتر دقت کرده اند تا کبدمی کنند که در موقع تجدید نظر کرد چون ممکن است شش یک موادی را دست بزنید و تغییراتی درش بدهید و از طرف دیگر مواد دیگر را برتر کند و در هر حال ما برای اینکه میخواهیم یک قانونی را که چندین دوره معمول بوده است

حالا خوب باید کاری بآن نداریم و ضمناً این راهم بطور حاشیه عرض کنم مادام که ملت ایران حالات روحش و معلومات و اطلاعاتش بقدر کافی نشود هر قانونی را که خیال کنید از آن بهتر نباشد وضع کنید نتیجه تقریباً نخواهد داشت

ملت باید مطلع شود عالم شود حقوق خود را بداند آنوقت آن ملت اگر در قانون انتخابات اشکالات و نواقصی هست باید رفع کند تا انتخابات صحیح بیرون بیاید و الا تصور نباید کرد که با تغییر بعضی از اشخاص شاید مفید باشد

ولی برای ملت و برای انتخابات عمومی نائده ارزش گرفته نشود نمیشود قانون را دستکاری کرد و بنده خیال می کنم که در حقیقت از لحاظ عمل و از نقطه نظر کلی هیچ تقاضائی نخواهد کرد

و از دیگر طرف هم این قانون مهمی است و باید دقت های زیاد درش بشود و مدتیست در آن مجلس و این مجلس و تکرار شده است بکمیسیون و هر روز هم بکارائی داده اند تا رسیده است باینجا و باید عجله کمیسیون اول یک عده مواذیابی را لازم دانسته و بعد خیال کرده اند همین شش هفت ماده کافیست

خوب اگر بد بود که همه اش باید اصلاح شود و اگر خوب بود بچه علت باید تجدید نظر بشود و معلوماً بعد از یک مقدار از اینها را کلچین کرده اید و در آخر جلسه نیم ساعت بنظر مانده با یک عجله آورده اید

با یک عجله آورده اید

با یک عجله آورده اید

که باین قانون مهم رأی بدهند و از این جهت بنده کاملاً مخالفم و تصور می کنم باید گذاشت برای بعد و بادقت و از روی بصیرت درش رأی داد

بهار- اجازه میفرمائید؟
رئیس بفرمائید

بهار- عرض کنم اگر مخالفت آقای وکیل محترم حقیقتاً مربوط بعجله یعنی تعجیل بودند بنده هم با ایشان موافقت می کردم

ولی در صورتیکه عجله بکاررفته باشد و این مواد با تعجیل فراهم شده باشد و قصد ناطق محترم هم مخالف با تعجیل بود ولی متأسفانه این مواد با عجله تقدیم شده و ناطق محترم حقیقتاً فلسفه مخالفتشان و علت مخالفتشان با اصل تعجیل بود و ایشان می خواهند بالاخره مخالفت کنند باینکه موادی که در دوره تقنینیه با احساس نهایت لزوم این اصلاحات تهیه شده است و بدبختانه در دوره چهارم بواسطه تلفیق عبارات شبیه بفرمایش ناطق محترم عقب عقب رفت تا این اصلاحات ماند برای این دوره مجلس و در این دوره از ابتدای دوره تاکنون کمیسیون تجدید نظر زحمت میکشد و وزارت داخله درین باب چندین ماه شرکت کرده است

و تمام مواد قانون در تحت نظر گرفته شده است

و با تطبیق این اصلاحات با سایر مواد در تمام این دفتها امروز تمام شده است

و اینکه مابعضی از مواد استرداد استیم از نقطه نظریک اصولی بود و همین واسطه که ناطق محترم مخالفت کردند آن مواد را پس گرفتیم

یعنی موادی را که کمیسیون تقدیم کرده بود ممکن بود چندین هفته یا چندین ماه روی آن مواد صحبت شود و حقیقتاً آن مواد خیلی مهم بود و دارای همان مفهومی بود که ناطق محترم فرمودند و نمیشد به عجله درش رأی داد

یکی راجع بتقسیم عده و کلابود بنده نفوس مملکت و یکی این قضیه بود که هر يك از نمایندگان یا استی صد نفر معرف داشته باشند و این در بعضی از ممالک اروپا هم معمولست و عقیده بعضی این بود که در ایران هم معمول شود

ولی چون این يك مسأله بود که خیلی زیاد باید درش صحبت بشود از این جهت فعلاً کمیسیون آنرا مسترد داشت

یکی محرومیت روسای دوائر دولتی بود و فلسفه هم داشت و بالاخره طرفدار هم داشت

ولی ممکن بود زیاد درش صحبت کرد و بعجله نمیشد درش رأی گرفت به این واسطه بعضی از این مواد را پس گرفتیم زیرا مقصودمان پیشرفت بعضی اصلاحات

بود و اگر باین اصلاحات رأی داده شود

برای ملت ایران و برای عموم علاقه مندان بآزادی فوق العاده مفید و مهم است

و آن این است که در بودن يك دوره تقنینیه انتخابات دوره تقنینیه دیگر شروع بشود و بالاخره آن فواصل دور در از و برزخ های بی معنی بین پارلمانها واقع نشود و سایر مواد هم از همین قبیل مسائل بدیهی است و مسائلی است که در چندین دوره تقنینیه در موع انتخابات دچار بوده اند و بالاخره در نتیجه زحمت یکساله کمیسیون و در نتیجه دقت و مراقبت وزارت داخله با توافقی نظر دولت این قسمت در مواد حاضر آماده شده است

و بالاخره نمیشود بفرمایند که این را گرفت که چرا نیم ساعت بظهر مطرح کرده است زیرا با این دلیل باید از نیم ساعت بظهر مانده دیگر هیچ قانونی مطرح نشود

و مجلس باید تعطیل شود

در صورتی که ما مکرر دیده ایم که در نیم ساعت بظهر مانده خیلی از قوانین مهم آمده است و مطرح شده گذشته است و حالا هم اگر نمیخواهید در يك مجلس رأی بدهند مطرح می شود و درش مذاکره می شود

و میماند برای بعد از تعطیل یا اینکه يك مجلس فوق العاده رأی می دهیم تشکیل شود و این قانون بگذرد و در هر حال مقصود ما این است

که این مسئله تمام شود و این يك چیزی نیست که بفتح بنده یا شما تمام شود مسئله ایست عمومی و منافع هم عمومی است و اختصاص به افراد و دستجات ندارد و حقیقتاً آقایان باید تمامی معتقد باشند که این مسئله از نقطه نظر وجدان پارلمانی حل شود نه از نقطه نظر دستجات

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- بنده موافقم بعد از يك مخالف عرض کنم

رئیس- آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد- بنده تصود می کنم فرمایشات آقای بهار به غلطه بیشتر شبیه بود تا به يك منطق ایشان فرمودند تا عجله در این کار نداریم

در صورتیکه در اطاق آینه بنده دیدیم که آقایان کمیسیون را تشکیل دادند و در همان موقع ایشان از دعوت کردند

برای کمیسیون و خیال میکنم همان طور که آقای داور فرمودند این مواد گل چین شده و فقط از نقطه نظر منافع اشخاص تدوین شده و برای عموم نیست و بلاوه باید در این مواد زیاد دقت و مطالعه شود و اگر منظور تعدیل قانون انتخابات است بگذارند بعد از تعطیل و اگر در این دوره هم تمام نشد میماند

برای دوره دیگر

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- یکی از آقایان در دوره چهارم بنده فرمایشی فرمودند که فراموش نمیکنم

فرمودند قانون انتخابات ممکن نیست بدست این مجلس اصلاح شود و هر وقت از اوقات که ملت آنطوری شد که آقای داور فرمودند آنوقت مقتدر می شود و به ضرب سر نیزه قانون انتخابات خودش را اصلاح میکند

شیروانی همین طور هم باید باشد کاررونی- باید همین طور هم باشد

والبته اگر ملت توانا بود و وکیل هر محلی هم از برزین خودش و از مطلقین و واقفین به احتیاجات محلی خودش انتخاب میشد خیلی خوب بود

چون نیستند البته مجبورند دیگران را انتخاب کنند میفرمایند چرا کمیسیون آنرا بر آنکه بنا بود تجدید نظر بکند حالا استرداد می کنند و چند ماده استخراج کرده و علتش هم برایشان وهم بر ما معلوم است و بر هیچیک از ما این موضوع بخصوص مجهول نیست اگر موافقت میکنم میدانم چه دردی داریم

مخالفت هم می کنیم میدانم چه مرضی داریم

علت این که آن قانونی که در دوره چهارم و همچنین در این دوره تجدید نظر شده بود ما آمدیم يك موادی ازش استخراج کردیم این بود که ما امید استیم در این مجلس گذرانیدن قانون انتخابات معظورات زیاد دارد و سعی میکنیم در کمیسیون که حتی المقدور يك مواد کمتری بمجلس بیاوریم که اشکالاتش کمتر باشد

این چند ماده که ما از آن قانون کلی استخراج کرده بودیم و طبع و توزیع هم شده بود بعد که ملاحظه کردیم دیدیم باز بعضی اشکالاتی دارد و از جمله این است که کذیه مستخدمین دولتی بایستی از انتخاب شدن محروم باشند و دیدیم این مسئله مشکلاتی دارد از این جهت موقوف داشتیم و از جمله چیزهایی که فوق العاده محل اشکال بود معروفیت محلی بود که دیدیم باین زودی نمیتوانیم این را از پیش ببریم

البته در اینکه تمام افراد یش هم معروف هستند محل تردید نیست

ابراین استرداد کردیم و بالاخره يك ساملی که گمان نمیکردیم پیش هیچکس محل اختلاف با تردید باشد مبتلا به عمومی هم بود از آن قانون استخراج کردیم و پیشنهاد شد منجمله آنها ایست که همانطور که قانون اساسی هم همین کرده سه ماه یا چهار ماه قبل از ختم دوره باید در مملکت شروع بانتخابات بشود

نهایت این است که وقتی در ادوار سابقه میگفتند باید شروع بانتخابات بشود

تازه می آمدند شروع میکردند بطبع و در عرفه مدتی مشغول طبع تعرفه بودند مدتی دولت تعرفه میفرستاد بولایات بعد میگفتند پست در رادزد شده و هنوز نرسیده و يك مدتی هم پویش رامیسرسانند و بالاخره یکسال دو سال بحران میشد و هنوز انتخابات بعمل نیامده بود بنابراین ما اینطور در نظر گرفتیم و وزارت داخله هم موافقت کرد که دو ماه قبل از شروع بانتخابات تمام وسائل لازمه انتخابات را تهیه نماید سه ماه چهار ماه به آخر دوره مانده در کذیه نقاط مملکت شروع بانتخابات بشود

در اینصورت این ترتیب چه معذور و اشکالی دارد؟

دیگر اینکه در همان مجلسی که تعرفه میدهند رأی را هم بگیرند این چه ضرری بکسی وارد می آورد؟ و همچنین سایر موادی که دارد از جمله این است که دلیل بیشتر فرسوی پنج قران میگرفت حالا یک تومان بگیرد حالا میگویند پنج قران باشد در ضمن شور پیشنهاد بفرمایند پنج قران باشد بلکه دوریال باشد بنده هم باشما موافقم و حال اینکه بنده یقین دارم بادو تومان هم کسی مخالف نیست حالا سه یک تومان است

دیگر اینکه وکیل تازمانی که اعتبار نامه اش نگذشته در صورتی که در مجلس است نصف حقوق انقلابش داده شود

حالا اگر مخالفید این راه مرد کنید منظور این است و این هم چند ماده- ایست که ما استخراج کرده ایم و علتش هم خود ما هستیم

برای اینکه اقلاً این یکی دو ماه که لازم است بیش از موقعی که باید شروع به انتخابات شود تصویب شود

آقا میفرمایند که قانون بمنزله یک نفر آدم است اگر يك عضو دست زدی سایر اعضایش متزلزل میشود

بنده عرض میکنم يك وجود ممکن است بواسطه خرابی یا بدی يك عضو متزلزل بشود و اگر آن عضو را اصلاح کردید سایر اعضایش هم اصلاح میشود و در تالی اینها ممکن است

غرض مغالطه نیست و چیزی هم نیست که قابل مغالطه باشد و استدعا می کنم از آقایان که رعایت احساسات که رعایت احساسات عمومی را هم بفرمایند اجازه بدهند این چند ماده مختصراً از این مجلس گذشته شود

دیگر اختیار با آقایان است (بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و جمعی کافی نمیدانستند)

روحی - بنده اخطار نظامنامه دارم رئیس- بفرمائید

روحی- عرض کنم این خبر را در ضمن تنفس اعضاء کمیسیون آقای مخبر را آوردند

و این مواد را گذرانند

بعضی از نمایندگان- طبع شده روحی- خیر آقا اجازه بدهید اشتباه می کنید

آقای مخبر را در تنفس آوردند و بعجله رأی دادند

و بنده استنکاف کردم در این خبر جدید است و باید بیست و چهار ساعت طبع و توزیع شود و حالا نمی شود جزو دستور شود

رئیس- این لایحه را قبل طبع و توزیع کرده اند و همانطور که در ضمن شور در سایر قوانین مخبر میتواند مواد را پس بگیرد این مواد را هم میتواند پس بگیرد مخبر- رأی بگیرد

رئیس- عده کافی نیست آقایانی که شرکت در انتخابات نکرده اند تقاضا می کنم تشریف ببرند رأی بدهند بلکه امروز تمام شود و نتیجه بگیریم

(در این موقع عده از آقایان نمایندگان برای خارج شدن حرکت نمودند)

رئیس- همه یکدفعه تشریف ببرند و بنده تشریف ببرید (پس از دقیقه تأمل)

آقایان دست چپ تشریف برده اند رأی بدهند؟

بعضی از نمایندگان- بلی

رئیس- آقایان مرکز هم رأی داده اند

(گفتند بلی)

عده برای اخذ رأی کافی نیست جلسه را ختم می کنم جلسه آتی روز یکشنبه اول شهریور مطابق سوم صفر (مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی-م- شهاب منشی دکترا- احتشام طباطبائی

جلسه ۱۹۰

صورت مشروح مجلس یکشنبه اول شهریور ۱۳۰۴ مطابق سوم صفر سنه ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس سه شنبه شانزدهم تیرماه را آقای آقا شیخ های طاهری قرائت نمودند)

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)